



تقاضای قصاص عضو خواهم داشت. رسیدگی به این پرونده در حالی در شعبه ششم دادسرای جنایی تهران در جریان است که متهم به دلیل شدت سوختگی در بیمارستان بستری بوده و پس از طی مراحل درمان، تحت الحفظ برای بازجویی به دادسرای جنایی منتقل خواهد شد.

اسیدپاشی عاشق کینه جو به زن جوان و دختر بی گناهش

گروه حوادث - فریادهای سوختن سوختن زنانه با گر به های دخترک در خیابان پیچیده رنگدازان با چشمان حیرت زده مردی را دیدند که با دستانتی اسید سوخته بالای سر زن و کودکی ایستاده است که صورت و بدنشان را با اسید سوخته انداخته است. نادیا نام آخرین قربانی اسیدپاشی است. او در یک روز سرد زمستانی در یک لحظه داغی اسید را روی صورت خود حس کرد و تا همین امروز درگیر و دار دردمان خود و دخترک ۴ ساله اش است که روی او هم اسید پاشیده است. همه چیز در یک چشم برهم زدن اتفاق افتاد. نادیا سوختگی خفیف روی صورت خود حس کرد و تا چند ثانیه باورش نمی شد آنچه بر جان او نرفته است. داغ خانمان اسیدپاشی. نگران سلینا، دخترک ۴ ساله اش بود. دخترش وحشت زده گریه می کرد و تنها چند ثانیه زمان لازم بود که اهالی محله رسالت اطراف مادر جوان

دختر خردسالش جمع شوند. حادثه در نزدیکی خانه پدری نادیا رخ داده بود. پدر نادیا که سر و صدا را شنید خودش را به دختر و نوه اش رساند. داماد سابق خانواده هنوز در صحنه جنایتی که خلق کرده بود ایستاده بود. دستان مرد اسیدپاش شدت سوخته بود و لمس بدن سلینا و صورت نادیا کافی بود تا پدر نادیا که پیشکی معروف است، دچار سوختگی شود. دقیقی بعد همه افرادی که حادثه دیده بودند به بیمارستان منتقل شدند. پلیس بلافاصله برای رسیدگی به موضوع وارد عمل شد و تحقیقات تیم جنایی در دستور کار محمدرضا صاحب جمعی باز پرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران قرار گرفت. عامل اسیدپاشی می گفت در آخرین لحظه وقتی چشمش در چشم نادیا و سلینا افتاد تصمیم خود ادامه این گزارش را در گفتگو با قربانی اسیدپاشی

بخوانید.
تقاضای قصاص عضو پدر سلینا را دارم نادیا چند سال داری؟
۳۵ سال.
چند سال با پدر سلینا زندگی کردی؟
۱۲ سال زندگی مشترک داشتیم.
چه چیزی سبب شد که با وجود یک دختر خردسال تصمیم به جدایی بگیری؟
علت اصلی این تصمیم اعتیاد شوهرم بود. همان اعتیاد باعث بیکاری و بداخلاقی هایش می شد که همه این ها باعث شد ادامه دادن به این زندگی برایم سخت شود.
بعد از جدایی چه می کردی؟
سسرکاری می رفتم کسب البتة قبل از جدایی هم شغل بودم. خانوادها ام از من و فرزندم حمایت می کردند و می خواستم زندگی آرامی برای خودم بسازم اما همسر سابقم با موضوع طلاقمان کنار نمی آمد. در آخر هم به

سرقه از خانه با لباس زنانه؛ سرنوشت این افراد چه شد؟



گروه حوادث - فرمانده انتظامی استان گفت: متهمی که با پوشیدن لباس زنانه دست به سرقت زده بود به همراه همدستش در کمتر از ۲۴ ساعت دستگیر شد. سردار عباسعلی بهدانی فرد در تشریح این خبر اظهار کرد: به دنبال تماس یکی از شهروندان با پلیس ۱۱۰ مبنی بر سرقت به عنف، بلافاصله ماموران کلاتری ۱۳ شهید رجایی یزد در محل حاضر شدند. وی بیان کرد: با حضور ماموران در محل، مشخص شد فردی با پوشیدن لباس زنانه به درب خانه یک خانم سالخورده مراجعه کرده و پس از فریب وی وارد منزل شده و به همراه همدستش به زور اقدام به سرقت کرده اند. فرمانده انتظامی استان یزد افزود: بلافاصله ماموران با تجربه و زنده پلیس، تیمی عملیاتی را تشکیل داده و با کار گسترده اطلاعاتی و تلاش بی وقفه، متهم و همدستش را در کمتر از ۲۴ ساعت دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند. وی افزود: سارقان در بازجویی های اولیه لب به اعتراف گشوده و به سرقت به عنف طلاجات پیرزن و فروش اموال سرقتی در شهر یزد اعتراف کرد. رئیس پلیس استان یزد در پایان با اشاره به این که طلاجات کشف شده با دستور مقام قضائی تحویل مالباخته شد، تصریح کرد: متهم و همدستش پس از تشکیل پرونده جهت سیر مراحل قانونی به دادرسی معرفی شدند. سردار بهدانی فرد یادآور شد: شهروندان منازل خود را به دوربین های مدار بسته مجهز کنند و در صورت حضور افراد در منزل، ابتدا آنها را شناسایی و سپس درب را بکشایند.

گرفتار شدن پسر عاشق پیشه در سر دوراهی عشق و عقل

نگوشوندند؛ چرا که معتقد بودند اصلا به افراد غریبه زن نمی دهند و آن ها به طور فامیلی ازدواج می کنند. در این شرایط کاری از دست «هاجر» هم ساخته نبود؛ چرا که اگر خانواده اش متوجه ارتباط خیابانی ما می شدند آن موقع مشخص نبود چه حادثه ای در انتظارش است. خلاصه مدتی بعد «هاجر» با پسر خاله اش ازدواج کرد و من هم به مشهد بازگشتم و در تعمیرگاه خودم مشغول کار شدم تا این که ۵ سال بعد با اصرار خانواده ام با دختر یکی از آشنایان مادرم ازدواج کردم. «زهره» که با خواهرم نیز دوست بود قلبی مهربان داشت و برای من احترام ویژه ای قائل بود، اما من هنوز دل در گرو هاجر داشتم و «زهره» را به هر طریقی مورد آزار و اذیت رفتاری و گفتاری قرار می دادم. شب هادی به منزل می رفتم و به همسرم نیز اجازه خروج از منزل را نمی دادم، ولی او تبعیت می کرد و گلابی ای نداشت. با آن که پسرم به سن ۳ سالگی رسیده بود، اما من هیچ علاقه ای به زندگی مشترک با «زهره» نداشتم تا این که چند روز قبل گوشه تلفنم زنگ خورد! آن سوی خط وقتی صدای «هاجر» را شنیدم، گوشه در دستم بیخ کرد. او در کمال ناباوری گفت: به مشهید آمده و قصد دارد برای آخرین بار مرا ببیند. من هم بی درنگ به محل فرمان در هسته مرکزی شهر به راه اقدام. سر از پانمی شناختم که «هاجر» را پیر و شکسته دیدم. او که با دو فرزندش به مشهد آمده بود به من گفت که در شرف طلاق است و اگر پسر خاله اش حضانة فرزندانش را به او بدهد بلافاصله از او طلاق می گیرد! حالا من در دوراهی عقل و احساس مانده ام؛ چرا که از یک طرف دلم به حال «زهره» می سوزد که از صمیم قلب مرادوست دارد، ولی من به اجبار با او زندگی می کنم و از طرف دیگر نیز «هاجر» را دوست دارم و ... گزارش روزنامه خراسان حاکی است با دستور سرگرد «جواد یعقوبی» (رئیس کلاتری طبرسی شمالی) و اکاوی کارشناسی و روان شناختی این پرونده در دایره مددکاری اجتماعی کلاتری آغاز شد و پسر جوان تصمیم گرفت با استفاده از نظرات مشاور و بایک تصمیم عاقلانه «هاجر» را فراموش کند و به زندگی خود عشق بورزد؛ چرا که با سوسه های شیطانی زندگی خود و خانواده اش را به تباهی می کشاند.

گرفتار شدن پسر عاشق پیشه در سر دوراهی عشق و عقل
عجیبی در روح و روانم برپا شده است به طوری که مدام با عقل و احساسم درگیر هستم از سویی دلم به حال همسرم می سوزد. جوان ۳۰ ساله با بیان این مطلب به مشاور و مددکار اجتماعی کلاتری طبرسی شمالی مشهید گفت: پدرم در مشهد مکانیک خودرو بود و به همین دلیل من و ۲ برادر دیگرم نزد پدرمان این حرفه را آموختیم. من که آخرین فرزند خانواده بودم به دلیل علاقه عجیبی که به این شغل داشتم به دبیرستان فنی و حرفه ای رفتم و در همین رشته ادامه تحصیل دادم. طولی نکشید که علم و تجربه را در هم آمیختم و به یک استاد کار ماهر تبدیل شدم. بعد از پایان تحصیلاتم در مقطع دبیرستان دیگر نخواستم وارد دانشگاه شوم؛ چرا که با حرفه خودم باید وارد بازار کار می شدم به همین دلیل دفترچه خدمت سربازی را گرفتم و خیلی زود عازم آباد شدم تا دوران سربازی را سپری کنم. پدرم با اوضاع مالی خوبی داشت و روزگار ما هم به خوبی می گذشت تا این که روزی وقتی با من خصوصی ساعتی به شهر خرم آباد رفتم هنگام گشت و گذار در مراکز تفریحی و دیدنی شهر ناگهان نگاهم به نگاه دختری قد بلند خیره ماند که با لباس محلی و به اتفاق مادرش مشغول خرید بود. این نگاه عاشقانه قلبم را لرزاند و به این ترتیب عاشق دختری شدم که هیچ شناختی از او نداشتم. آن روز وقتی به یادگان بازگشتم حال عجیبی را تجربه می کردم حتی برای لحظه ای هم چهره آن دختر از مقابل دیدگانم محو نمی شد. حالا شب و روز به آن دختر می اندیشیدم و تلاش می کردم تا با مرخصی های روزانه و ساعتی به آن مکان تفریحی بروم تا شاید یک بار دیگر آن دختر را ببینم، ولی این کارها فایده ای نداشت تا این که حدود یک ماه بعد از این ماجرا، روزی به طور اتفاقی با یکی از سربازان هم خدمتی ام مشغول گفت و گو بودم که متوجه شدم «فرید» آن دختر را به خوبی می شناسد؛ چرا که «فرید» هم از طایفه آن دختر و اهل خرم آباد بود. دیگر در پوست خودم نمی گنجدم و سعی کردم به آن سرباز هم خدمتی ام نزدیک تر شوم تا این که بالاخره به هر ترفتندی شده بود موفق شدم شماره تلفن «هاجر» را از او بگیرم! چندبار به داخل شهر رفتم و با آن شماره تماس

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش | تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

خدمات	مفقودی	صنایع چوب	استخدام
خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴	اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۱۶۴۹۵/۰۱ به نام طاهره امامی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	شرکت کهن چوب تولیدکننده انواع درب های چوبی برای کلیه پروژه ها مسکونی ، تجاری ، هتلی ، و اداری جزیره کیش درخت سبز صنعت ۲ پلاک ۴۳ تهران شهرک صنعتی چهار دانگه ۰۹۳۴۷۶۹۹۱۸۶ - ۰۷۶۴۴۴۷۳۱۳۹ www.kohanchoob.ir	۴ نفر نیرو جهت توزیع و پخش برای شرکت کیش نوش نیازمندیم ۲۲- ۴۴۴۷۳۴۲۱
خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸	خشکشویی	شرکت چوب سازان آداک صنعت کیش ساخت انواع منسوجات چوبی ، کابینت، ترمو وود.....شو روم بازار پادنا ۰۹۳۴۷۶۸۲۵۵۸	استخدام منشی عصر ساکن کیش یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب
دوربین های مدار بسته درب های اتوماتیک دارکوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲	خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ با مدیریت عسکری	شرکت چوب سازان آداک صنعت کیش ساخت انواع منسوجات چوبی ، کابینت، ترمو وود.....شو روم بازار پادنا ۰۹۳۴۷۶۸۲۵۵۸	استخدام نیروی خدماتی یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند.
حمل کالا	نیازمندیهای اقتصاد کیش ۴۴۴۲۳۹۱۰ - ۴۴۴۲۴۹۹۹	صنایع چوب حلاج کیش کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن ۷۶۹۸۲۵۲	استخدام کارمند امور اداری خانم یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، کارمند امور اداری آشنا به کامپیوتر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند.
حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰			استخدام منشی صبح ساکن کیش یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت صبح استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۸ تا ۳/۵

اقتصاد کیش | پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش | گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش | روزنامه